
معرفی
قرآن
کتاب مبارک

شناسنامهٔ اثر (قرآن مبارک)

نام رسمی: قرآن، کتاب مبارک | نام اختصاری: قرآن مبارک
مترجم: حسین استادولی
تنظیم‌کنندگان: مهندس سید محمدرضا قرائی و دکتر مهدی فیض
مدیر فرایند نشر: مهدی خسروی
تذهیب‌کار: مهین اکبری محمدیه
گرافیست رایانه‌ای: مهندس محمود دهقان سلماسی و داود رحیمی‌نژاد
صفحه‌آرا: محمد کافی و شیما قائمی
نمونه‌خوان: نرجس تاجیک
ناظر چاپ: علیرضا خسروی
ناشر: نشر شناسنامه
نوبت و سال چاپ: اول، ۱۴۰۳
شمارگان: ۲۵۰۰ نسخه
شابک: ۴- ۰۲ - ۶۴۶۴ - ۶۲۲ - ۹۷۸

ایده‌پرداز و مسئول طرح: دکتر مهدی فیض
پست اینترنتی: feiz.mahdi@gmail.com
مرکز پخش: اندیشکدهٔ قرآنی تدبر: ۶۶۵۰۳۵۳۱-۰۲۱
نشانی اینترنتی اختصاصی: www.quran-mobarak.ir

نشانی ناشر: تهران، خیابان انقلاب، خیابان دانشگاه، مرکز خرید دانشگاه، پلاک ۵ و ۸
تلفن ناشر: ۶۶۹۵۷۳۳۵ - ۶۶۹۵۷۳۵۷ - ۰۲۱
نشانی اینترنتی ناشر: www.shenasnameh.net
رایانامهٔ ناشر: shenasnamehpub@gmail.com

www.shenasnameh.net
اندیشکده قرآنی تدبر
quran-mobarak.ir

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

كِتَٰبٌ أَنزَلۡنَٰهُ إِلَيۡكَ مُبَٰرَكٞ لِّيَدَّبَّرُوٓاْ ءَايَٰتِهِۦ وَلِيَتَذَكَّرَ أُوْلُواْ ٱلۡأَلۡبَٰبِ (سورۀ صاد: ۲۹)

معرفی مصحف شریف و نوین «قرآن مبارک»

مقدمه: قرآن آخرین کتاب آسمانی است که نیاز بشر به معارف نابِ توحیدی و قواعد زندگی فردی و اجتماعی را تا قیامت پاسخ می‌دهد. این ویژگی، اقتضاء می‌کند که قرآن به شیوه‌های گوناگون مورد توجه قرارگرفته است و در قالب‌های گوناگون به بشریتِ تشنۀ حقیقت و آرامش عرضه گردد. تدوین مصحف‌های گوناگون، ترجمه‌های متعدد قرآن، صورت‌بندی‌های متنوع آن و همچنین نوشتن تفسیرهای متعدد بر آن، بخشی از وظایفی است که ما در قبال این کتاب شریف و این عطیۀ شریف الهی داریم.

ویژگی‌ها: مصحف حاضر ـ که نام اختصاصی «قرآن مبارک» بر آن گذاشته شده است ـ دارای سه ویژگی اساسی است:

اولین و اساسی‌ترین ویژگی این مصحف، ترجمۀ دقیق، محققانه و عالمانه‌ای است که استاد گرامی، حسین استادولی، تدوین گردیده است. این ترجمه به اذعان بسیاری از کارشناسان حوزه و دانشگاه تا حدود بسیار زیادی توانسته است که مراد خداوند از انزال آیات را برای مخاطبان شفاف سازد و با حفظ امانت‌داری نسبت به متن اصلی، از شیوایی زبان فارسی نیز بهره‌مند است.

استاد محمدعلی کوشا، منتقد ترجمه‌های قرآن و از داوران پُرسابقۀ کتاب سال ایران، دربارۀ این ترجمه نوشته‌اند: «ترجمۀ دانشمند گرانمایه و ناقد نکته‌سنج، حسین استادولی، بی‌گمان به دلیل آشنایی مترجم آن به اصول ادب، تفسیر، کلام، فقه و معارف اسلامی و همچنین حُسن سابقه در ترجمۀ آثار گوناگون، ترجمه‌ای استوار و درخور توجه است و باتوجه به توضیحاتی مفید که در متن آمده است، می‌توان گفت این اثر در ردیف ترجمه‌های تفسیری قرار می‌گیرد. نشر این ترجمه صرف‌نظر از فرازوفرودهایش نثری معمول و متعارف است و می‌تواند برای همۀ فارسی‌زبانان در هر قشر و طبقه‌ای که باشند، مورد استفاده قرار بگیرد. در این اثر، تلاش برای ارائۀ ترجمه‌ای صحیح به عمل آمده است و تا سرحد توان، دقت و صحت، با روانی و گویایی عبارات جمع گردیده است. همچنین توجه به نکات بلاغی ـ که بُعد هنری هر ترجمۀ استواری متکی به آن است ـ در این ترجمه رعایت شده است. درمجموع این ترجمه ـ که حاصل زحمات چندین سالۀ این مترجم فاضل است ـ ترجمۀ روان، پذیرفتۀ همگان و بازتاب اخلاص و طهارت نفس صاحبِ آن (حسین استادولی) است».

همچنین قرآن‌پژوه شهیر، استاد بهاءالدین خرمشاهی، درباره این اثر چنین فرمودند:

۱. این ترجمه بسیار قرآن‌شناسانه، نه حتی قرآن‌پژوهانه، به عمل آمده است.

۲. مترجم، عمری با تفسیرهای قدیم و جدید قرآن کریم انس عمیق داشته و این انس به دو صورت در ترجمه ظاهر شده است. هم ترجمه را روشن‌تر کرده است و هم طبعاً بیشتر و بهتر مفاهیم قرآن را بانگفته‌هایی که ایجاز اعجازین قرآن وانهاده، به بیان درآورده، دست خواننده را در هرسطحی از سواد قرآنی که باشد، می‌گیرد.

۳. افزوده‌های تفسیری، همه در جهت شفاف و شیواسازی متنِ ترجمه است. هیچ نمونه و نشانه‌ای از اِطناب در این افزوده‌های تفسیری ندیدم و کمتر ترجمه‌ای را دیده‌ام که با این درجه از فهم عمیق قرآن صورت گرفته باشد ـ جَزاهُ الله عن القرآن و الاسلام خیرالجزاء.

۴. ساختار جملات و به‌طورکلی نثر ترجمه، بسیار مفهوم و مانوس و طبیعی و طبعاً به نثرِ معیارِ امروزین است.

این ترجمه در سال ۱۳۹۵ در آیین انتخاب «کتاب سال جمهوری اسلامی ایران» به‌عنوان ترجمهٔ برگزیدهٔ سال، معرفی گردید و مورد استقبال جامعهٔ قرآنی قرار گرفت.

دومین ویژگی این مصحف، ترجمهٔ «عبارت به عبارت» و با «چینش مقابل هم» است. ترجمهٔ هر آیه به‌صورت یکجا و همچنین ترجمهٔ کلمه به کلمه، هرکدام دارای مزایا و معایبی است که انتخاب الگوی «عبارت به عبارت» توانسته است مزایای هر دو شیوه را در خود جمع و از معایب آن‌ها نیز تاحد امکان فاصله بگیرد. این شیوهٔ ترجمه، در فهم معانی آیات برای خوانندهٔ فهیم قرآن، بسیار مفید و مؤثر است؛ به‌ویژه چینش مقابل متن عربی و فارسی، به گونه‌ای است که چشم خوانندهٔ آیات را به‌صورت طبیعی، از متن عربی به ترجمهٔ فارسی آن هدایت می‌کند و هم‌زمان با قرائت آیات، ترجمهٔ آن نیز به‌طور ناخودآگاه خوانده می‌شود. این ویژگی حاصل زحمات ارزشمند آقای مهندس سید محمدرضا قرائی است که با دقت و ظرافت خاصی نسبت به تقطیع عبارات عربی و فارسی و همچنین مقابل کردن آن‌ها با یکدیگر، اهتمام ورزیده‌اند. این شیوه به یادگیری زبان عربیِ ویژهٔ قرآن، کمک شایانی می‌کند و فارسی‌زبانان را در فهم سریع متن مقدس قرآن کریم توانمند می‌سازد. به علاوه اینکه برای خوانندگان مبتدی نیز، فرصتی را فراهم می‌آورد که پس از هر عبارت کوتاه، نفسی تازه کنند و با آرامش بیشتری به خواندن آیات مشغول باشند.

سومین ویژگی این مصحف، نوع صفحه‌بندی آن است که مبتنی بر موضوع و سیاق آیات است. یکی از نکاتی که توجه بسیاری از صاحب‌نظران را به خود معطوف کرده است، نظم ترتیبی آیات قرآن است.

اهمیت این نظم زمانی بیشتر می‌شود که بدانیم نزول آیات، تدریجی و به بهانه‌های واقعی(اسباب نزول) و ظرف ۲۳ سال بوده است و نیز بسیاری از سوره‌ها در چند مرحله نازل شده‌اند. استاد دکتر فقهی‌زاده در مقدمهٔ کتاب ارزشمند خود با عنوان «پژوهشی در نظم قرآن» به‌صورت مبسوط بدین موضوع پرداخته‌اند که در اینجا به نقل مختصری از کتاب ایشان اکتفا می‌شود: «مجموعه‌نگری به آیات، راهی است که در آن، از سبک بیانی قرآن در فهم مقاصد سوره‌ها استمداد می‌شود. هر سوره متشکل از محور یا محورهای کلی خاصی است که آیات، گرداگرد آن‌ها جمع آمده و گویای معنایی هماهنگ و منسجم‌اند. بعضی از دانشمندان و مفسران که از این دریچه به سوره‌ها نگریسته‌اند، به معانی گرانباری دست‌یافته‌اند.»

همچنین در کتاب «ساختار سوره‌های قرآن» که پژوهشگران مؤسسهٔ نور الثقلین تدوین کرده‌اند، چنین آمده: «باید توجه داشت که اصل در تقسیم‌بندی قرآن، تقسیم سوره‌ای است و هر سوره درواقع یک کلّ منسجم است که در یک یا چند سیاق، مقصود خود را بیان و مخاطب خود را هدایت می‌کند؛ لذا باید قرآن را سوره به سوره و در هر سوره، سیاق به سیاق خواند تا در معرض هدایت الهی قرار گرفت. اما متأسفانه آنچه در میان ما مسلمانان مرسوم است، قرائت جزء جزء، حزب حزب یا صفحه‌ای قرآن است؛ که هیچ معیار قرآنی و روایی ندارد و فقط یک ملاک کمّی در آن لحاظ شده است.»

بنا به برخی منابع، تدبّر در قرآن، در پیوند مفهومی با واژهٔ تدبیر است. با بهره‌گیری از دیدگاه علامه طباطبایی، معنای کلی تدبر عبارت است از «تلاش قاری قرآن، برای فهم مراد خداوند از نزول آیات، از طریق تأمّل در چینش حکیمانهٔ آیات و عبارات قرآن کریم، با تأکید بر ظاهر کلام». بر این مبنا، پیوستگی آیات، نقش اساسی را در امکان‌پذیری تدبّر و فهم منظور و مراد خداوند برعهده دارد. لذا در تلاوت آیات الهی باید تاحد امکان این پیوستگی را به‌گونه‌ای مراعات کرد که ابتدا و انتهای یک موضوع در نظر گرفته شود و بستهٔ آیاتِ مرتبط، باهم قرائت شود؛ یعنی تاحد امکان، در هر وعدهٔ قرائت، یک موضوع به‌صورت تمام و کامل قرائت شود و بخشی از آن به تلاوت آیندهٔ موکول نگردد.

بر این اساس، مصحف حاضر، برای اولین‌بار به‌صورت موضوعی، صفحه‌بندی شده است (برای مثال اگر در صفحه‌ای به جریان دعوت حضرت نوح(ع) و عکس‌العمل قوم ایشان اشاره شده است، در همان صفحه، این جریان پایان یافته است). لذا در بالای هر صفحه، موضوع‌کلّی محتوای آیات آن صفحه درج شده و فهرست این موضوعات در پایان مُصحف ارائه گردیده است.این قاعده در بیش از نود درصد صفحات رعایت شده است. با این منطق، نباید فراموش کرد که انتخاب نقطهٔ شروع و پایانِ هر صفحه، کاری دشوار و بعضاً تابع سلیقه و تشخیص فردی است؛ یعنی امری اجتهادی است و نه توقیفی.

در مصحف حاضر، برای تعیین نقطهٔ شروع و پایان هر صفحه، از چند قاعده یا منبع استفاده شده است:

۱. بستهٔ سیاق آیات که در تفسیر شریف المیزان و بسته‌های تفسیری آن مبنا بوده است؛

۲. قاعدهٔ طلایی بسته‌های هفت (هفتِ به‌علاوه یا منهای یک) تایی آیات (در برخی موارد، ضرایب هفت، یعنی ۱۴ یا ۲۱ آیه)؛ بدین معنا که در بسیاری از مواقف، یک موضوعِ مشخص، در یک بستهٔ هفت یا شش یا هشت آیه‌ای یا ضرایب هفت یافت می‌شود.

۳. قاعده اِبشار و انذار قرآن که آیات خوف و رجاء، در کنار هم عرضه شده، و در مصحف حاضر، در یک صفحه گنجانده شده است تا در یک وعده خوانده شوند و اثرات مکمل یکدیگر را بر خوانندهٔ محترم القا کنند؛

۴. رکوع‌بندی آیات که در مصحف‌های قدیمی‌تر رواج داشته و با حرف «ع» مشخص می‌شده است.

مهم‌ترین مزیّت این نوع صفحه‌بندی آن است که در تلاوت روزانهٔ آیات، به‌ویژه در سطح مساجد کشور ـ که معمولاً یک صفحه بعد از نماز، تلاوت می‌شود ـ مطالب تلاوت‌شده حاوی پیام کامل‌تری است و به‌صورت ناتمام، تلاوت نمی‌شود، به‌ویژه در زمانی که ترجمهٔ آیات نیز خوانده می‌شود، این مزیّت بیشتر احساس می‌گردد. این ویژگیِ منحصربه‌فرد، شرایط ذهنی خوانندهٔ محترم آیات را برای تدبّر در آیات الهی مهیا می‌کند؛ زیرا هر آیه را درون بستهٔ معنایی خودش می‌نگرد و انسجام و پیوستگی آیات، بیشتر احساس می‌شود.

گفتنی است که در نسخه‌های قدیم قرآن، تقطیع رکوعی آیات با علامت «ع» رواج داشت؛ ولی انجام صفحه‌بندی با روش گفته‌شده برای اولین بار صورت می‌گیرد و امید است این روش، مورد استقبال ناشران محترم قرآن، به‌ویژه در میهن اسلامی ایران، قرار گیرد تا بهره‌مندان از این کتاب شریف را بیش از پیش مستفیض گرداند.

ضمناً قاریان محترم قرآن نیز، با اطمینان خاطر می‌توانند در تلاوت‌های مجلسی خود، یکی از صفحات این مصحف شریف را به‌عنوان مجموعهٔ آیات مرتبط باهم، به‌ویژه باتوجه به تناسب محتوای آیات با موضوع جلسه یا همایش، از فهرست موضوعیِ انتهایی مصحف، انتخاب کرده و آن را تلاوت فرمایند.

علاوه بر انتشار مصحف کامل قرآن با این نوع صفحه‌بندی، این ایده، کاربردهای دیگری نیز دارد؛ به‌عنوان‌مثال

۱. انتشار مصحف، به‌صورت تک‌برگی‌های تفکیکی، برای قرائت در مجالس ختم مرحومین و همچنین ختمِ قرآن‌کردن‌های گروهی؛

۲. ساخت اپلیکیشن متناسب با این نوع صفحه‌بندی، با قابلیت‌های خاص، ازجمله جست‌وجوی موضوعی صفحات؛

۳. بهره‌برداری صداوسیما از این نوع صفحه‌بندی برای اجرای تلاوت‌های روزانهٔ خود در حوالی زمان اذان؛

۴. بهره‌برداری مربیان و قرآن‌دوستان عزیز در حفظ صفحه‌ای قرآن کریم، به‌گونه‌ای که حافظان محترم با استفاده از موضوع کلی صفحه بتوانند آیات آن صفحه را ساده‌تر در حافظهٔ خود نگهدارند.

ویژگی‌های صوری مصحف حاضر: این مصحف در ۶۲۴ صفحهٔ متن قرآن و ۲۴ صفحه ملحقات آن، تنظیم شده است که علاوه بر متن کامل قرآن به‌صورت مشابه همهٔ قرآن‌های رایج (از حیث ترتیب سوره‌ها و آیات) حاوی مطالب زیر است:

۱. فهرست سوره‌ها به ترتیب مصحف
۲. فهرست سوره‌ها به ترتیب الفبا
۳. فهرست سوره‌ها به ترتیب نزول
۴. فهرست موضوعی صفحات
۵. تبیین الگوی صفحه‌بندی حاضر و حکمت‌های نهفته در آن
۶. ازآنجاکه در بیشتر مواقع، مصحف مشهور عثمان طه استفاده می‌شود و بعضاً حافظان محترم قرآن نیز از همان صفحه‌بندی استفاده می‌کنند، در مصحف حاضر، علاوه بر شمارهٔ صفحات عادی ـ که در ذیل هر صفحه درج گردیده است ـ شمارهٔ صفحهٔ متناظر آن در مصحف عثمان طه نیز در حاشیهٔ متن عربی درج شده است تا برای کسانی که با صفحات عثمان طه مأنوس هستند، راهگشا باشد.

عنوان‌گزینی جدید: در کنار عناوین رایج (مصحف، جزء، حزب، سوره، سیاق و ...) عنوان جدیدی به عنایت الهی در ذهن مؤلف خطور کرد و برای هر بستهٔ آیاتِ مرتبط، واژهٔ قرآنی «بِرکه» برگزیده‌شد. این عنوان، برگرفته از واژهٔ «مبارک» است که خداوند حکیم در قرآن، پنج نوبت از این صفت برای توصیف این کتاب نورانی استفاده فرموده است؛ به‌عنوان‌مثال

كِتَٰبٌ أَنزَلْنَٰهُ إِلَيْكَ مُبَٰرَكٌ لِّيَدَّبَّرُوٓاْ ءَايَٰتِهِۦ وَلِيَتَذَكَّرَ أُوْلُواْ ٱلْأَلْبَٰبِ (سورهٔ صاد: ۲۹)

[قرآن] کتابی است مبارک که آن را بر تو نازل کردیم تا [همگان] آیاتش را تدبر کنند و [از این طریق] خردمندان متذکر گردند.

بر این مبنا، هر بسته‌ای از آیات الهی در حکم یک «بِرکه» است و هر سورهٔ چندصفحه‌ای، حاوی چند برکهٔ به ظاهر مستقل، ولی در پیوند معناییِ مرتبطِ با هم هستند؛ لذا مصحف جدید با عنوان «قرآن، کتاب مبارک» منتشر می‌شود.

نمونه‌ای از موضوعات صفحات قرآن مبارک (سورة مبارکة شعراء)

	صفحه
دلداری به پیامبر(ص) در خصوص عدم پذیرش دعوت وی توسّط اکثریت مردم	۳۶۶
مأموریت موسی و هارون(ع) برای دعوت فرعون به عبادت و عبودیت خدا	۳۶۷
وصف آوردگاه معجزهٔ موسی(ع) و سحر جادوگران و سپس ایمان‌آوردن آنان	۳۶۸
خروج شبانهٔ موسی و پیروانش از شهر و چگونگی غرق‌شدن فرعونیان	۳۶۹
شرح منطق ابراهیم(ع) در اثبات ربوبیّت خداوند	۳۷۰
وصف حالِ بهشتیان و جهنّمیان از زبان ابراهیم(ع)	۳۷۱
ماجرای دعوت نوح(ع) و عدم پذیرش اکثریت مردم	۳۷۲
ماجرای دعوت هود(ع) و عدم پذیرش اکثریت مردم	۳۷۳
ماجرای دعوت صالح(ع) و عدم پذیرش اکثریت مردم	۳۷۴
ماجرای دعوت لوط(ع) و عدم پذیرش اکثریت مردم	۳۷۵
ماجرای دعوت شعیب(ع) و عدم پذیرش اکثریت مردم	۳۷۶
ارزش و اهمّیت قرآن و ناسپاسی اکثریت مردم نسبت به این کتاب الهی	۳۷۷
بیان حال شاعران و عدم تناسب قرآن با تراوشات ذهنی شاعرانه	۳۷۸

نمونه‌ای از موضوعات صفحات قرآن مبارک (سورة مبارکة یوسف)

ماجرای خواب یوسف و تعبیر پدر: تو برگزیدهٔ خدا هستی! مراقب باش	۲۳۷
توطئه چینی برادران یوسف در برابر دیدگان خدا	۲۳۸
چگونگی استقرار یوسف در کاخ عزیز مصر، به تدبیر خداوند	۲۳۹
صحنه‌آرایی زلیخا و نجات یوسف از آن موقعیت وسوسه‌انگیز، به لطف خدا	۲۴۰
انتشار خبر عشق زلیخا به یوسف در میان زنان شهر و استجابت دعای او از سوی خدا	۲۴۱
زندانی‌شدن یوسف و آموختن علم تأویل خواب از سوی خداوند، در زندان	۲۴۲
خواب عجیب پادشاه و تأویل آن توسط یوسف(ع) به علم الهی	۲۴۳
اثبات پاکدامنی یوسف(ع) و استقرار او در نزدیک‌ترین جایگاه به پادشاه به تدبیر خدا	۲۴۴
به اضطرارافتادن برادران یوسف(ع) و مراجعهٔ آنان به وی برای دریافت خوراک	۲۴۵
مراجعهٔ دوّم برادران به یوسف(ع) و صحنه‌سازی وی برای نگهداشتن بنیامین، به تعلیم الهی	۲۴۶
به اضطرارافتادن برادران یوسف در برابر اتّهام سرقت بنیامین	۲۴۷
توصیهٔ یعقوب به پسرانش برای شناسایی یوسف(ع) و تحقّق این موضوع	۲۴۸

اعتراف و اعتذار: بی‌تردید این حرکت جدید، در ضمنِ داشتن نقاط قوت خود، دارای نقایص و نقاط ضعفی است که در پیشگاه ساحت قدسی قرآن و صاحب آن، بدین‌ها اعتراف می‌کنم و بابت آن‌ها عذرخواهم. ضمناً از قرآن‌پژوهان اندیشمند و دلسوز، انتظار دارم با راهنمایی‌های مشفقانهٔ خود، این خادم قرآن را مورد عنایت خویش قرار دهند تا در نسخه‌های آتی لحاظ گردد و در هر نوبت انتشار به کیفیتِ درخورِ شرافت و عظمت این کتاب الهی نزدیک‌تر شود ـ بعون الله تعالی.

کمترین خادم قرآن
مهدی فیض

نمونه‌ای از تأثیر این سبک صفحه‌بندی در فهم عمیق‌تر قرآن کریم

در صفحات پیش‌رو، متن کامل سورهٔ مبارکهٔ شعراء درج شده‌است. در این سوره، خداوند حکیم، ابتدا اشاره می‌فرماید که اکثریت مردم در قبال دعوت پیامبران به عبادت و عبودیت خدا، مقاومت کرده و از آن سرپیچی کرده‌اند تا از این طریق به پیامبر اسلام (ص) را دلداری داده، ایشان را در تحقق رسالت خویش، ثابت‌قدم گرداند.

بدین منظور پس از مقدمهٔ کوتاهی که با سه عبارت زیر خاتمه می‌یابد، به ماجرای دعوت هفت پیامبر عظیم‌الشان اشاره کرده و هر یک از این مثال‌ها را با همین سه عبارت مذکور، پایان می‌دهد:

إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً
وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ
وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ

بدین ترتیب، این سه عبارت آرام‌بخش، هشت بار در این سوره تکرار شده است (یک بار در مقدمهٔ سوره و هفت بار در پایان ماجرای هر پیامبر). درنهایت در بخش نتیجه‌گیری کلی از سوره (در صفحهٔ ۳۷۸) به هستهٔ مرکزی همین سه عبارت اشاره شده و خطاب به پیامبر(ص) فرموده است:

وَتَوَكَّلْ عَلَى ٱلْعَزِيزِ ٱلرَّحِيمِ

اگر به صفحات پیش‌رو نظر افکنید، این ساختار زیبا و الهام‌بخش را در سورهٔ شعراء ملاحظه خواهید فرمود. ضمناً با تلاوت قرآن کریم از روی متن مصحف قرآن مبارک، به فضل الهی این حال و هوا را در بسیاری از سوره‌های قرآن، احساس خواهید کرد و از خواندن قرآن بیش از پیش، حظّ معنوی و بهرهٔ معرفتی خواهید برد ـ ان‌شاءالله.

سُورَةُ الشُّعَرَاءِ

سورهٔ ۲۶ | ۲۲۷ آیه | ترتیب نزول: ۴۷ | زمان نزول: قبل از هجرت

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ — به نام خدای بخشندهٔ مهربان

﴿۱﴾ طسٓمٓ — ۱. طا، سین، میم (از رموز قرآن است).

﴿۲﴾ تِلْكَ ءَايَٰتُ ٱلْكِتَٰبِ ٱلْمُبِينِ — ۲. این‌ها آیات این کتاب روشن است.

﴿۳﴾ لَعَلَّكَ بَٰخِعٌ نَّفْسَكَ أَلَّا يَكُونُواْ مُؤْمِنِينَ — ۳. شاید تو می‌خواهی خویشتن را برای این‌که آنان ایمان نمی‌آورند هلاک کنی!

﴿۴﴾ إِن نَّشَأْ نُنَزِّلْ عَلَيْهِم مِّنَ ٱلسَّمَآءِ ءَايَةً — ۴. اگر بخواهیم، آیتی از آسمان بر آنان فرود می‌آوریم

فَظَلَّتْ أَعْنَٰقُهُمْ لَهَا خَٰضِعِينَ — که گردن‌هاشان در برابر آن خاضع شود (امّا این کار با اختیار آن‌ها در پذیرش هدایت، سازگار نیست).

﴿۵﴾ وَمَا يَأْتِيهِم مِّن ذِكْرٍ مِّنَ ٱلرَّحْمَٰنِ مُحْدَثٍ — ۵. و هیچ یاد و پند تازه‌ای از سوی پروردگارشان بر آن‌ها نیاید

إِلَّا كَانُواْ عَنْهُ مُعْرِضِينَ — جز آن‌که از آن رویگردانند.

﴿۶﴾ فَقَدْ كَذَّبُواْ فَسَيَأْتِيهِمْ أَنۢبَٰٓؤُاْ مَا كَانُواْ بِهِۦ يَسْتَهْزِءُونَ — ۶. آنان تکذیب کردند، پس به زودی خبرهای چیزی که آن را مسخره می‌کردند، به آنان خواهد رسید.

﴿۷﴾ أَوَلَمْ يَرَوْاْ إِلَى ٱلْأَرْضِ كَمْ أَنۢبَتْنَا فِيهَا مِن كُلِّ زَوْجٍ كَرِيمٍ — ۷. آیا به زمین نظر نکردند که چه اندازه از هرگونه گیاهِ سودمندِ پرارزش در آن رویاندیم؟

﴿۸﴾ إِنَّ فِى ذَٰلِكَ لَءَايَةً — ۸. قطعاً در این کار نشانه‌ای است،

وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُم مُّؤْمِنِينَ — امّا بیشترشان مؤمن نیستند.

﴿۹﴾ وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ ٱلْعَزِيزُ ٱلرَّحِيمُ — ۹. و حقّاً پروردگار توست که توانمند و مهربان است (و نیازی به ایمان آنان ندارد).

﴿۱۰﴾ وَإِذْ نَادَىٰ رَبُّكَ مُوسَىٰٓ أَنِ ٱئْتِ ٱلْقَوْمَ ٱلظَّٰلِمِينَ — ۱۰. و (یاد کن) آن‌گاه که پروردگارت موسی علیه‌السلام را ندا کرد که نزد این قومِ ستمکار بیا.

﴿۱۱﴾ قَوْمَ فِرْعَوْنَ ۚ أَلَا يَتَّقُونَ — ۱۱. یعنی قوم فرعون؛ که آیا پروا پیشه نمی‌کنند؟

﴿۱۲﴾ قَالَ رَبِّ إِنِّىٓ أَخَافُ أَن يُكَذِّبُونِ — ۱۲. گفت: پروردگارا، بیم آن دارم که مرا تکذیب کنند.

﴿۱۳﴾ وَيَضِيقُ صَدْرِى وَلَا يَنطَلِقُ لِسَانِى — ۱۳. و سینه‌ام تنگ است و زبانم نمی‌گردد،

فَأَرْسِلْ إِلَىٰ هَٰرُونَ — پس به سوی هارون فرست (که همراه من باشد).

﴿۱۴﴾ وَلَهُمْ عَلَىَّ ذَنۢبٌ فَأَخَافُ أَن يَقْتُلُونِ — ۱۴. و نیز در نظر آنان مرتکب گناهی شده‌ام، می‌ترسم مرا بکشند.

﴿۱۵﴾ قَالَ كَلَّا ۖ فَٱذْهَبَا بِـَٔايَٰتِنَآ ۖ إِنَّا مَعَكُم مُّسْتَمِعُونَ — ۱۵. (خدا) گفت: هرگز؛ هر دو تن با نشانه‌های ما بروید، که ما با شماییم و کاملاً شنوا.

﴿۱۶﴾ فَأْتِيَا فِرْعَوْنَ فَقُولَآ إِنَّا رَسُولُ رَبِّ ٱلْعَٰلَمِينَ — ۱۶. نزد فرعون آیید و بگویید: ما فرستادهٔ پروردگار جهانیانیم،

﴿۱۷﴾ أَنْ أَرْسِلْ مَعَنَا بَنِىٓ إِسْرَٰٓءِيلَ — ۱۷. که (به تو بازگوییم) بنی اسرائیل را با ما بفرست.

﴿۱۸﴾ قَالَ أَلَمْ نُرَبِّكَ فِينَا وَلِيدًا
وَلَبِثْتَ فِينَا مِنْ عُمُرِكَ سِنِينَ
﴿۱۹﴾ وَفَعَلْتَ فَعْلَتَكَ ٱلَّتِي فَعَلْتَ وَأَنتَ مِنَ ٱلْكَٰفِرِينَ
﴿۲۰﴾ قَالَ فَعَلْتُهَآ إِذًا وَأَنَا۠ مِنَ ٱلضَّآلِّينَ
﴿۲۱﴾ فَفَرَرْتُ مِنكُمْ لَمَّا خِفْتُكُمْ
فَوَهَبَ لِي رَبِّي حُكْمًا وَجَعَلَنِي مِنَ ٱلْمُرْسَلِينَ
﴿۲۲﴾ وَتِلْكَ نِعْمَةٌ تَمُنُّهَا عَلَيَّ أَنْ عَبَّدتَّ بَنِيٓ إِسْرَٰٓءِيلَ
﴿۲۳﴾ قَالَ فِرْعَوْنُ وَمَا رَبُّ ٱلْعَٰلَمِينَ
﴿۲۴﴾ قَالَ رَبُّ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَآ
إِن كُنتُم مُّوقِنِينَ
﴿۲۵﴾ قَالَ لِمَنْ حَوْلَهُۥٓ أَلَا تَسْتَمِعُونَ
﴿۲۶﴾ قَالَ رَبُّكُمْ وَرَبُّ ءَابَآئِكُمُ ٱلْأَوَّلِينَ
﴿۲۷﴾ قَالَ إِنَّ رَسُولَكُمُ ٱلَّذِيٓ أُرْسِلَ إِلَيْكُمْ لَمَجْنُونٌ
﴿۲۸﴾ قَالَ رَبُّ ٱلْمَشْرِقِ وَٱلْمَغْرِبِ وَمَا بَيْنَهُمَآ
إِن كُنتُمْ تَعْقِلُونَ
﴿۲۹﴾ قَالَ لَئِنِ ٱتَّخَذْتَ إِلَٰهًا غَيْرِي لَأَجْعَلَنَّكَ مِنَ ٱلْمَسْجُونِينَ
﴿۳۰﴾ قَالَ أَوَلَوْ جِئْتُكَ بِشَىْءٍ مُّبِينٍ
﴿۳۱﴾ قَالَ فَأْتِ بِهِۦٓ إِن كُنتَ مِنَ ٱلصَّٰدِقِينَ
﴿۳۲﴾ فَأَلْقَىٰ عَصَاهُ فَإِذَا هِيَ ثُعْبَانٌ مُّبِينٌ
﴿۳۳﴾ وَنَزَعَ يَدَهُۥ فَإِذَا هِيَ بَيْضَآءُ لِلنَّٰظِرِينَ
﴿۳۴﴾ قَالَ لِلْمَلَإِ حَوْلَهُۥٓ إِنَّ هَٰذَا لَسَٰحِرٌ عَلِيمٌ
﴿۳۵﴾ يُرِيدُ أَن يُخْرِجَكُم مِّنْ أَرْضِكُم بِسِحْرِهِۦ فَمَاذَا تَأْمُرُونَ
﴿۳۶﴾ قَالُوٓاْ أَرْجِهْ وَأَخَاهُ وَٱبْعَثْ فِي ٱلْمَدَآئِنِ حَٰشِرِينَ
﴿۳۷﴾ يَأْتُوكَ بِكُلِّ سَحَّارٍ عَلِيمٍ

۱۸. (موسی علیه السلام به سراغ فرعون رفت، او در جواب) گفت: آیا تو را در کودکی در میان خود نپروردیم و سال‌هایی از عمرت را در میان ما درنگ نداشتی؟
۱۹. و کردی آن کارَت را که کردی (که یکی از طرفداران ما را کشتی) و تو از ناسپاسان هستی!
۲۰. گفت: هنگامی چنان کردم که از گمراهان بودم (و از نتیجهٔ کار خود خبر نداشتم).
۲۱. آن‌گاه از شما گریختم چون از شما ترسیدم،
پس پروردگارم مرا خِرد و علمی کامل بخشید و از پیامبرانم قرار داد.
۲۲. و آیا این نعمتی است که بر من منّت می‌نهی، این‌که بنی‌اسرائیل را به بردگی گرفته‌ای؟!
۲۳. فرعون گفت: پروردگار جهانیان چیست؟
۲۴. (موسی علیه السلام) گفت: پروردگار آسمان‌ها و زمین و آن‌چه میان آن‌هاست،
اگر باور دارید.
۲۵. (فرعون) به اطرافیانش گفت: آیا گوش نمی‌دهید؟!
۲۶. (موسی علیه السلام) گفت: (همو که) پروردگار شما و پروردگار نیاکان شماست.
۲۷. (فرعون) گفت: این پیامبرتان که به سوی شما فرستاده شده واقعاً دیوانه است!
۲۸. (موسی علیه السلام) گفت: پروردگار مشرق و مغرب و آن‌چه میان آن‌هاست،
اگر خردمندی کنید.
۲۹. (فرعون) گفت: اگر خدایی جز من اختیار کنی حتماً تو را از زندانیان خواهم ساخت.
۳۰. (موسی علیه السلام) گفت: اگر چه برایت دلیلی روشن آورده باشم؟!
۳۱. (فرعون) گفت: آن را بیاور اگر از راستگویانی.
۳۲. پس عصای خود افکند که ناگاه اژدهایی آشکار شد.
۳۳. و دستش را از گریبان برآورد ناگاه در نظر بینندگان، سپید و درخشان نمود.
۳۴. (فرعون) به سرانی که اطرافش بودند گفت: راستی که این ساحری بس داناست
۳۵. که می‌خواهد با سِحر خود، شما را از سرزمینتان بیرون کند، پس چه می‌فرمایید؟
۳۶. گفتند: او و برادرش را مهلتی بده و گردآورانی را در شهرها بفرست،
۳۷. تا هر ساحرِ ماهر و دانایی را نزد تو آورند.

۳۸ فَجُمِعَ ٱلسَّحَرَةُ لِمِيقَٰتِ يَوۡمٖ مَّعۡلُومٖ ۳۸. پس (فرعونیان، در تقابل با موسی علیه‌السلام) ساحران را در قرارِ روزی معلوم، گرد آوردند.

۳۹ وَقِيلَ لِلنَّاسِ ۳۹. و مردم را گفتند:

۳۶۸ هَلۡ أَنتُم مُّجۡتَمِعُونَ آیا شما نیز گرد هم می‌آیید؟

۴۰ لَعَلَّنَا نَتَّبِعُ ٱلسَّحَرَةَ إِن كَانُواْ هُمُ ٱلۡغَٰلِبِينَ ۴۰. باشد که اگر ساحران پیروز شدند، از آنان پیروی کنیم.

۴۱ فَلَمَّا جَآءَ ٱلسَّحَرَةُ قَالُواْ لِفِرۡعَوۡنَ ۴۱. چون ساحران آمدند به فرعون گفتند:

أَئِنَّ لَنَا لَأَجۡرًا إِن كُنَّا نَحۡنُ ٱلۡغَٰلِبِينَ راستی اگر ما پیروز شدیم ما را پاداشی شایسته خواهد بود؟

۴۲ قَالَ نَعَمۡ وَإِنَّكُمۡ إِذٗا لَّمِنَ ٱلۡمُقَرَّبِينَ ۴۲. گفت: آری، و در آن هنگام از مقرّبان خواهید شد.

۴۳ قَالَ لَهُم مُّوسَىٰٓ أَلۡقُواْ مَآ أَنتُم مُّلۡقُونَ ۴۳. موسی علیه‌السلام به آنان گفت: بیافکنید آن‌چه را خواهید افکند.

۴۴ فَأَلۡقَوۡاْ حِبَالَهُمۡ وَعِصِيَّهُمۡ ۴۴. آنان ریسمان‌ها و چوبدستی‌های خود را افکندند

وَقَالُواْ بِعِزَّةِ فِرۡعَوۡنَ إِنَّا لَنَحۡنُ ٱلۡغَٰلِبُونَ وگفتند: به جاه و جلال فرعون سوگند که قطعاً ما پیروزیم.

۴۵ فَأَلۡقَىٰ مُوسَىٰ عَصَاهُ ۴۵. آن‌گاه موسی علیه‌السلام عصای خویش افکند

فَإِذَا هِيَ تَلۡقَفُ مَا يَأۡفِكُونَ که ناگاه آن عصا (اژدهایی شد که) اسباب دروغین آن‌ها را به سرعت می‌بلعید.

۴۶ فَأُلۡقِيَ ٱلسَّحَرَةُ سَٰجِدِينَ ۴۶. پس ساحران به سجده افتادند.

۴۷ قَالُوٓاْ ءَامَنَّا بِرَبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ ۴۷. گفتند: به پروردگار جهانیان ایمان آوردیم؛

۴۸ رَبِّ مُوسَىٰ وَهَٰرُونَ ۴۸. همان پروردگار موسی و هارون.

۴۹ قَالَ ءَامَنتُمۡ لَهُۥ قَبۡلَ أَنۡ ءَاذَنَ لَكُمۡۖ ۴۹. (فرعون) گفت: آیا پیش از آن‌که شما را اجازه دهم، به او گرویدید و تسلیم او شدید؟!

إِنَّهُۥ لَكَبِيرُكُمُ ٱلَّذِي عَلَّمَكُمُ ٱلسِّحۡرَۖ قطعاً او بزرگ و استادِ شماست که شما را سِحر آموخته است!

فَلَسَوۡفَ تَعۡلَمُونَۚ پس به زودی خواهید دانست!

لَأُقَطِّعَنَّ أَيۡدِيَكُمۡ وَأَرۡجُلَكُم مِّنۡ خِلَٰفٖ همانا دست‌ها و پاهای شما را برخلاف یکدیگر (از چپ و راست) بی‌رحمانه می‌بُرم

وَلَأُصَلِّبَنَّكُمۡ أَجۡمَعِينَ و همهٔ شما را سخت به دار می‌آویزم.

۵۰ قَالُواْ لَا ضَيۡرَۖ ۵۰. گفتند: زیانی ندارد،

إِنَّآ إِلَىٰ رَبِّنَا مُنقَلِبُونَ بی‌تردید ما به سوی پروردگارمان باز می‌گردیم.

۵۱ إِنَّا نَطۡمَعُ أَن يَغۡفِرَ لَنَا رَبُّنَا خَطَٰيَٰنَآ ۵۱. ما امید داریم که پروردگارمان گناهان ما را بیامرزد،

أَن كُنَّآ أَوَّلَ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ زیرا نخستین ایمان‌آورندگان بوده‌ایم.

﴿٥٢﴾ وَأَوۡحَيۡنَآ إِلَىٰ مُوسَىٰٓ	۵۲. (پس از آن‌که معجزهٔ موسی علیه‌السلام، بر سحر فرعونیان غلبه کرد) به موسی علیه‌السلام وحی کردیم
أَنۡ أَسۡرِ بِعِبَادِيٓ إِنَّكُم مُّتَّبَعُونَ	که بندگان مرا شبانه (از شهر) بیرون بر، که شما تحت تعقیب هستید.
﴿٥٣﴾ فَأَرۡسَلَ فِرۡعَوۡنُ فِي ٱلۡمَدَآئِنِ حَٰشِرِينَ	۵۳. فرعون نیز (برای جمع‌آوری نیرو) گردآورانی را در شهرها فرستاد
﴿٥٤﴾ إِنَّ هَٰٓؤُلَآءِ لَشِرۡذِمَةٞ قَلِيلُونَ	۵۴. (وگفت) به راستی اینان گروهی بس اندکند،
﴿٥٥﴾ وَإِنَّهُمۡ لَنَا لَغَآئِظُونَ	۵۵. و آن‌ها ما را به خشم آورده‌اند.
﴿٥٦﴾ وَإِنَّا لَجَمِيعٌ حَٰذِرُونَ	۵۶. و بی‌شکّ ما گروهی آماده‌باش هستیم.
﴿٥٧﴾ فَأَخۡرَجۡنَٰهُم مِّن جَنَّٰتٖ وَعُيُونٖ	۵۷. پس آنها را بیرون کردیم از باغ‌ها و چشمه‌سارها،
﴿٥٨﴾ وَكُنُوزٖ وَمَقَامٖ كَرِيمٖ	۵۸. و نیز از گنج‌ها و اقامتگاه نیکو و مجلّلی که داشتند.
﴿٥٩﴾ كَذَٰلِكَۖ وَأَوۡرَثۡنَٰهَا بَنِيٓ إِسۡرَٰٓءِيلَ	۵۹. آری، چنین بود؛ و آن امکانات را به بنی‌اسرائیل میراث دادیم.
﴿٦٠﴾ فَأَتۡبَعُوهُم مُّشۡرِقِينَ	۶۰. آن‌گاه فرعونیان به هنگام طلوع آفتاب به تعقیب آنان شتافتند.
﴿٦١﴾ فَلَمَّا تَرَٰٓءَا ٱلۡجَمۡعَانِ	۶۱. چون دوگروه یکدیگر را دیدند،
قَالَ أَصۡحَٰبُ مُوسَىٰٓ إِنَّا لَمُدۡرَكُونَ	یاران موسی علیه‌السلام گفتند: بی‌شکّ گرفتار شدیم (و هیچ راه نجاتی نداریم).
﴿٦٢﴾ قَالَ كَلَّآۖ	۶۲. (موسی علیه‌السلام) گفت: هرگز؛
إِنَّ مَعِيَ رَبِّي سَيَهۡدِينِ	همانا پروردگارم با من است، به زودی راهنمایی‌ام خواهد کرد.
﴿٦٣﴾ فَأَوۡحَيۡنَآ إِلَىٰ مُوسَىٰٓ	۶۳. پس به موسی علیه‌السلام وحی کردیم
أَنِ ٱضۡرِب بِّعَصَاكَ ٱلۡبَحۡرَۖ	که با عصایت بر دریا بزن؛
فَٱنفَلَقَ	پس دریا شکافت
فَكَانَ كُلُّ فِرۡقٖ كَٱلطَّوۡدِ ٱلۡعَظِيمِ	و هر بخش آن چون کوهی بزرگ گشت.
﴿٦٤﴾ وَأَزۡلَفۡنَا ثَمَّ ٱلۡأٓخَرِينَ	۶۴. و آن گروهِ دیگر را نزدیک آن‌جا آوردیم.
﴿٦٥﴾ وَأَنجَيۡنَا مُوسَىٰ وَمَن مَّعَهُۥٓ أَجۡمَعِينَ	۶۵. و موسی علیه‌السلام و همهٔ همراهانش را نجات دادیم.
﴿٦٦﴾ ثُمَّ أَغۡرَقۡنَا ٱلۡأٓخَرِينَ	۶۶. سپس آن گروهِ دیگر را غرق کردیم.
﴿٦٧﴾ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَةٗۖ	۶۷. همانا در این گزارش نشانه‌ای است،
وَمَا كَانَ أَكۡثَرُهُم مُّؤۡمِنِينَ	امّا بیشترشان مؤمن نشدند.
﴿٦٨﴾ وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ ٱلۡعَزِيزُ ٱلرَّحِيمُ	۶۸. و همانا پروردگار توست که توانمند و مهربان است.

﴿٦٩﴾ وَٱتۡلُ عَلَيۡهِمۡ نَبَأَ إِبۡرَٰهِيمَ	۶۹. و خبر ابراهیم علیه‌السلام را بر مردمان بخوان.
﴿٧٠﴾ إِذۡ قَالَ لِأَبِيهِ وَقَوۡمِهِۦ مَا تَعۡبُدُونَ	۷۰. آن‌گاه که به پدرش (یعنی عمو و سرپرستش آزر) و قوم خود گفت: شما چه می‌پرستید؟
﴿٧١﴾ قَالُواْ نَعۡبُدُ أَصۡنَامٗا	۷۱. گفتند: بت‌هایی را می‌پرستیم
فَنَظَلُّ لَهَا عَٰكِفِينَ	و پیوسته سر بر آستانشان داریم.
﴿٧٢﴾ قَالَ هَلۡ يَسۡمَعُونَكُمۡ إِذۡ تَدۡعُونَ	۷۲. گفت: آیا هنگامی‌که می‌خوانیدشان صدای شما را می‌شنوند؟
﴿٧٣﴾ أَوۡ يَنفَعُونَكُمۡ أَوۡ يَضُرُّونَ	۷۳. یا سودی به شما می‌رسانند؟ یا زیانی می‌زنند؟
﴿٧٤﴾ قَالُواْ بَلۡ وَجَدۡنَآ ءَابَآءَنَا كَذَٰلِكَ يَفۡعَلُونَ	۷۴. گفتند: نه، بلکه پدرانمان را یافته‌ایم که چنین می‌کردند.
﴿٧٥﴾ قَالَ أَفَرَءَيۡتُم مَّا كُنتُمۡ تَعۡبُدُونَ	۷۵. گفت: آیا دیده‌اید آن‌چه می‌پرستید
﴿٧٦﴾ أَنتُمۡ وَءَابَآؤُكُمُ ٱلۡأَقۡدَمُونَ	۷۶. شما و پدران پیشین شما؟
﴿٧٧﴾ فَإِنَّهُمۡ عَدُوّٞ لِّيٓ إِلَّا رَبَّ ٱلۡعَٰلَمِينَ	۷۷. (آری، آن‌چه می‌پرستید) بی‌شکّ دشمن منند، جز پروردگار جهانیان؛
﴿٧٨﴾ ٱلَّذِي خَلَقَنِي فَهُوَ يَهۡدِينِ	۷۸. همان‌که مرا آفرید و هدایتم می‌کند،
﴿٧٩﴾ وَٱلَّذِي هُوَ يُطۡعِمُنِي وَيَسۡقِينِ	۷۹. و همان‌که مرا غذا می‌دهد و سیرابم می‌کند،
﴿٨٠﴾ وَإِذَا مَرِضۡتُ فَهُوَ يَشۡفِينِ	۸۰. و چون بیمار شَوم اوست که بهبودم می‌بخشد،
﴿٨١﴾ وَٱلَّذِي يُمِيتُنِي ثُمَّ يُحۡيِينِ	۸۱. و همان‌که مرا می‌میراند، سپس زنده‌ام می‌سازد،
﴿٨٢﴾ وَٱلَّذِيٓ أَطۡمَعُ أَن يَغۡفِرَ لِي خَطِيٓـَٔتِي يَوۡمَ ٱلدِّينِ	۸۲. و همان‌که امید دارم که در روز جزا گناهم را بیامرزد.
﴿٨٣﴾ رَبِّ هَبۡ لِي حُكۡمٗا	۸۳. پروردگارا، مرا حکمتی ببخش
وَأَلۡحِقۡنِي بِٱلصَّٰلِحِينَ	و مرا به صالحان ملحق کن.
﴿٨٤﴾ وَٱجۡعَل لِّي لِسَانَ صِدۡقٖ فِي ٱلۡأٓخِرِينَ	۸۴. و برایم در میان آیندگان یاد و آوازه‌ای نیک قرار ده.
﴿٨٥﴾ وَٱجۡعَلۡنِي مِن وَرَثَةِ جَنَّةِ ٱلنَّعِيمِ	۸۵. و مرا از وارثان بهشتِ پرنعمت ساز.
﴿٨٦﴾ وَٱغۡفِرۡ لِأَبِيٓ	۸۶. و پدرم (یعنی عمو و سرپرستم آزر) را بیامرز،
إِنَّهُۥ كَانَ مِنَ ٱلضَّآلِّينَ	که او از گمراهان است.

﴿۸۷﴾ وَلَا تُخۡزِنِي يَوۡمَ يُبۡعَثُونَ	۸۷. و مرا به روزی که همه برانگیخته می‌شوند خوار و رسوا مساز.
﴿۸۸﴾ يَوۡمَ لَا يَنفَعُ مَالٞ وَلَا بَنُونَ	۸۸. روزی که هیچ مال و فرزندی سود نمی‌بخشد،
﴿۸۹﴾ إِلَّا مَنۡ أَتَى ٱللَّهَ بِقَلۡبٖ سَلِيمٖ	۸۹. مگر آن‌که کسی با قلبی پاک نزد خدا آید.
﴿۹۰﴾ وَأُزۡلِفَتِ ٱلۡجَنَّةُ لِلۡمُتَّقِينَ	۹۰. و (در روز قیامت) بهشت را برای پرواپیشگان نزدیک آورند،
﴿۹۱﴾ وَبُرِّزَتِ ٱلۡجَحِيمُ لِلۡغَاوِينَ	۹۱. و دوزخ را برای گمراهان پدیدار سازند،
﴿۹۲﴾ وَقِيلَ لَهُمۡ	۹۲. و به آنان گویند:
أَيۡنَ مَا كُنتُمۡ تَعۡبُدُونَ ﴿۹۳﴾ مِن دُونِ ٱللَّهِ	کجاست آن‌چه می‌پرستیدید ۹۳. به جای خدا؟
هَلۡ يَنصُرُونَكُمۡ	آیا شما را یاری می‌دهند
أَوۡ يَنتَصِرُونَ	یا خود را یاری توانند کرد؟
﴿۹۴﴾ فَكُبۡكِبُواْ فِيهَا هُمۡ وَٱلۡغَاوُۥنَ	۹۴. پس آن معبودان در آن‌جا سرنگون گردند، و گم‌گشتگان،
﴿۹۵﴾ وَجُنُودُ إِبۡلِيسَ أَجۡمَعُونَ	۹۵. و نیز همهٔ سپاهیان ابلیس.
﴿۹۶﴾ قَالُواْ وَهُمۡ فِيهَا يَخۡتَصِمُونَ	۹۶. در آن‌جا درحالی‌که به درگیری و ستیزه برخیزند، (به معبودان خود) گویند:
﴿۹۷﴾ تَٱللَّهِ إِن كُنَّا لَفِي ضَلَٰلٖ مُّبِينٍ	۹۷. به خدا سوگند که ما سخت در گمراهیِ آشکاری بودیم.
﴿۹۸﴾ إِذۡ نُسَوِّيكُم بِرَبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ	۹۸. چرا که شما را با پروردگار جهانیان برابر می‌داشتیم.
﴿۹۹﴾ وَمَآ أَضَلَّنَآ إِلَّا ٱلۡمُجۡرِمُونَ	۹۹. و کسی ما را گمراه نکرد جز مجرمان.
﴿۱۰۰﴾ فَمَا لَنَا مِن شَٰفِعِينَ	۱۰۰. اکنون هیچ یک از شفاعت‌کنندگان را در کنار خود نداریم،
﴿۱۰۱﴾ وَلَا صَدِيقٍ حَمِيمٖ	۱۰۱. و نه دوست گرم و پرمهری.
﴿۱۰۲﴾ فَلَوۡ أَنَّ لَنَا كَرَّةٗ فَنَكُونَ مِنَ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ	۱۰۲. پس کاش ما را بازگشتی بود تا از مؤمنان می‌شدیم.
﴿۱۰۳﴾ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَةٗ	۱۰۳. همانا در این گزارش، نشانه‌ای است،
وَمَا كَانَ أَكۡثَرُهُم مُّؤۡمِنِينَ	امّا بیشترشان مؤمن نشدند.
﴿۱۰۴﴾ وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ ٱلۡعَزِيزُ ٱلرَّحِيمُ	۱۰۴. و همانا پروردگار توست که توانمند و مهربان است.

﴿۱۰۵﴾ كَذَّبَتْ قَوْمُ نُوحٍ ٱلْمُرْسَلِينَ	۱۰۵. قوم نوح پیامبران را تکذیب کردند.
﴿۱۰۶﴾ إِذْ قَالَ لَهُمْ أَخُوهُمْ نُوحٌ أَلَا تَتَّقُونَ	۱۰۶. هنگامی‌که برادرشان نوح علیه‌السلام به آنان گفت: آیا پروا نمی‌کنید؟
﴿۱۰۷﴾ إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ	۱۰۷. همانا من برای شما پیامبری امین هستم.
﴿۱۰۸﴾ فَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ وَأَطِيعُونِ	۱۰۸. پس، از خدا پروا کنید و مرا فرمان برید.
﴿۱۰۹﴾ وَمَآ أَسْـَٔلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍۖ	۱۰۹. و بر این کار از شما پاداشی نمی‌خواهم،
إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَىٰ رَبِّ ٱلْعَٰلَمِينَ	پاداش من جز بر پروردگار جهانیان نیست.
﴿۱۱۰﴾ فَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ وَأَطِيعُونِ	۱۱۰. پس، از خدا پروا کنید و مرا فرمان برید.
﴿۱۱۱﴾ قَالُوٓاْ أَنُؤْمِنُ لَكَ	۱۱۱. گفتند: آیا به تو ایمان آوریم و تسلیم تو شویم
وَٱتَّبَعَكَ ٱلْأَرْذَلُونَ	با آن‌که فرومایگان، پیروِ تو شده‌اند؟!
﴿۱۱۲﴾ قَالَ وَمَا عِلْمِي بِمَا كَانُواْ يَعْمَلُونَ	۱۱۲. گفت: من چه می‌دانم آنان چه می‌کرده‌اند؟ (یعنی به سابقهٔ آنان کار ندارم.)
﴿۱۱۳﴾ إِنْ حِسَابُهُمْ إِلَّا عَلَىٰ رَبِّيۖ	۱۱۳. حسابشان جز بر پروردگار من نیست،
لَوْ تَشْعُرُونَ	اگر درک و آگاهی دارید.
﴿۱۱۴﴾ وَمَآ أَنَا۠ بِطَارِدِ ٱلْمُؤْمِنِينَ	۱۱۴. و من مؤمنان را طرد نخواهم کرد.
﴿۱۱۵﴾ إِنْ أَنَا۠ إِلَّا نَذِيرٌ مُّبِينٌ	۱۱۵. من جز بیم‌کننده‌ای آشکار نیستم.
﴿۱۱۶﴾ قَالُواْ لَئِن لَّمْ تَنتَهِ يَٰنُوحُ	۱۱۶. گفتند: ای نوح، اگر دست برنداری
لَتَكُونَنَّ مِنَ ٱلْمَرْجُومِينَ	قطعاً از سنگسارشوندگان خواهی شد.
﴿۱۱۷﴾ قَالَ رَبِّ إِنَّ قَوْمِي كَذَّبُونِ	۱۱۷. گفت: پروردگارا، قوم من مرا تکذیب کردند.
﴿۱۱۸﴾ فَٱفْتَحْ بَيْنِي وَبَيْنَهُمْ فَتْحًا	۱۱۸. پس میان من و آنان به طور قطع داوری کن،
وَنَجِّنِي وَمَن مَّعِيَ مِنَ ٱلْمُؤْمِنِينَ	و من و مؤمنانِ همراهم را رهایی بخش.
﴿۱۱۹﴾ فَأَنجَيْنَٰهُ وَمَن مَّعَهُۥ فِي ٱلْفُلْكِ ٱلْمَشْحُونِ	۱۱۹. پس او را و کسانی را که با او در آن کشتیِ پربار بودند، رهایی دادیم.
﴿۱۲۰﴾ ثُمَّ أَغْرَقْنَا بَعْدُ ٱلْبَاقِينَ	۱۲۰. آن‌گاه پس از آن، باقی‌ماندگان را غرق کردیم.
﴿۱۲۱﴾ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأَيَةًۖ	۱۲۱. همانا در این گزارش نشانه‌ای است،
وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُم مُّؤْمِنِينَ	امّا بیشترشان مؤمن نشدند.
﴿۱۲۲﴾ وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ ٱلْعَزِيزُ ٱلرَّحِيمُ	۱۲۲. و همانا پروردگار توست که توانمند و مهربان است.

﴿۱۲۳﴾ كَذَّبَتْ عَادٌ ٱلْمُرْسَلِينَ ۱۲۳. قوم عاد نیز پیامبران را تکذیب کردند.

﴿۱۲۴﴾ إِذْ قَالَ لَهُمْ أَخُوهُمْ هُودٌ أَلَا تَتَّقُونَ ۱۲۴. هنگامی‌که برادرشان هود علیه‌السلام به آنان گفت: آیا پروا نمی‌کنید؟

﴿۱۲۵﴾ إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ ۱۲۵. همانا من برای شما پیامبری امین هستم.

﴿۱۲۶﴾ فَٱتَّقُوا۟ ٱللَّهَ وَأَطِيعُونِ ۱۲۶. پس، از خدا پروا کنید و مرا فرمان برید.

﴿۱۲۷﴾ وَمَآ أَسْـَٔلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ ۖ ۱۲۷. و بر این کار از شما پاداشی نمی‌خواهم،

إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَىٰ رَبِّ ٱلْعَٰلَمِينَ پاداش من جز بر پروردگار جهانیان نیست.

﴿۱۲۸﴾ أَتَبْنُونَ بِكُلِّ رِيعٍ ءَايَةً تَعْبَثُونَ ۱۲۸. آیا در هر جای بلندی به بیهودگی و هوس، بنایی عَلَم می‌کنید؟!

﴿۱۲۹﴾ وَتَتَّخِذُونَ مَصَانِعَ لَعَلَّكُمْ تَخْلُدُونَ ۱۲۹. و قصرهایی بلند و استوار می‌سازید بدان امید که جاوید بمانید؟!

﴿۱۳۰﴾ وَإِذَا بَطَشْتُم ۱۳۰. و چون برکسی دست می‌گشایید

بَطَشْتُمْ جَبَّارِينَ بی‌رحمانه دست می‌گشایید؟!

﴿۱۳۱﴾ فَٱتَّقُوا۟ ٱللَّهَ وَأَطِيعُونِ ۱۳۱. پس، از خدا پروا کنید و مرا فرمان برید.

﴿۱۳۲﴾ وَٱتَّقُوا۟ ٱلَّذِىٓ ۱۳۲. و پروا کنید از آن‌کس که

أَمَدَّكُم بِمَا تَعْلَمُونَ شما را به آن‌چه می‌دانید یاری داد.

﴿۱۳۳﴾ أَمَدَّكُم بِأَنْعَٰمٍ وَبَنِينَ ۱۳۳. شما را به دادن چهارپایان و پسرانی یاری داد

﴿۱۳۴﴾ وَجَنَّٰتٍ وَعُيُونٍ ۱۳۴. و نیز به بوستان‌ها و چشمه‌سارهایی.

﴿۱۳۵﴾ إِنِّىٓ أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ ۱۳۵. من از عذاب روزی بزرگ بر شما بیم دارم.

﴿۱۳۶﴾ قَالُوا۟ سَوَآءٌ عَلَيْنَآ ۱۳۶. گفتند: بر ما یکسان است

أَوَعَظْتَ أَمْ لَمْ تَكُن مِّنَ ٱلْوَٰعِظِينَ چه پند دهی چه از پنددهندگان نباشی. ۳۷۲

﴿۱۳۷﴾ إِنْ هَٰذَآ إِلَّا خُلُقُ ٱلْأَوَّلِينَ ۱۳۷. این (دعوت تو) جز همان خوی و روش پیشینیان نیست.

﴿۱۳۸﴾ وَمَا نَحْنُ بِمُعَذَّبِينَ ۱۳۸. و ما هرگز عذاب نخواهیم شد.

﴿۱۳۹﴾ فَكَذَّبُوهُ فَأَهْلَكْنَٰهُمْ ۗ ۱۳۹. پس اورا تکذیب کردند، ما هم هلاکشان کردیم.

إِنَّ فِى ذَٰلِكَ لَءَايَةً ۖ همانا در این گزارش نشانه‌ای است،

وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُم مُّؤْمِنِينَ امّا بیشترشان مؤمن نشدند.

﴿۱۴۰﴾ وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ ٱلْعَزِيزُ ٱلرَّحِيمُ ۱۴۰. و همانا پروردگار توست که توانمند و مهربان است.

﴿۱۴۱﴾ كَذَّبَتْ ثَمُودُ ٱلْمُرْسَلِينَ ۱۴۱. قوم ثمود نیز پیامبران را تکذیب کردند.

﴿۱۴۲﴾ إِذْ قَالَ لَهُمْ أَخُوهُمْ صَٰلِحٌ أَلَا تَتَّقُونَ ۱۴۲. هنگامی‌که برادرشان صالح علیه‌السلام به آنان گفت: آیا پروا نمی‌کنید؟!

﴿۱۴۳﴾ إِنِّى لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ ۱۴۳. همانا من برای شما پیامبری امین هستم.

﴿۱۴۴﴾ فَٱتَّقُوا۟ ٱللَّهَ وَأَطِيعُونِ ۱۴۴. پس، از خدا پروا کنید و مرا فرمان برید.

﴿۱۴۵﴾ وَمَآ أَسْـَٔلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ ۖ ۱۴۵. و بر این کار از شما پاداشی نمی‌خواهم،

إِنْ أَجْرِىَ إِلَّا عَلَىٰ رَبِّ ٱلْعَٰلَمِينَ پاداش من جز بر پروردگار جهانیان نیست.

﴿۱۴۶﴾ أَتُتْرَكُونَ فِى مَا هَٰهُنَآ ءَامِنِينَ ۱۴۶. آیا پندارید که شما را در آن‌چه این جا هست، ایمن (از کیفر) واگذارده می‌شوید؟

﴿۱۴۷﴾ فِى جَنَّٰتٍ وَعُيُونٍ ۱۴۷. در بوستان‌ها و چشمه‌سارهایی‌که دارید؟

﴿۱۴۸﴾ وَزُرُوعٍ وَنَخْلٍ طَلْعُهَا هَضِيمٌ ۱۴۸. و کشتزارها و درختان خرمایی‌که شکوفه‌های آن تر و تازه است؟

﴿۱۴۹﴾ وَتَنْحِتُونَ مِنَ ٱلْجِبَالِ بُيُوتًا فَٰرِهِينَ ۱۴۹. و برای عیش و نوش از کوه‌ها خانه‌ها می‌تراشید؟!

﴿۱۵۰﴾ فَٱتَّقُوا۟ ٱللَّهَ وَأَطِيعُونِ ۱۵۰. پس، از خدا پروا کنید و مرا فرمان برید.

﴿۱۵۱﴾ وَلَا تُطِيعُوٓا۟ أَمْرَ ٱلْمُسْرِفِينَ ۱۵۱. و فرمان تجاوزگران را اطاعت نکنید،

﴿۱۵۲﴾ ٱلَّذِينَ يُفْسِدُونَ فِى ٱلْأَرْضِ وَلَا يُصْلِحُونَ ۱۵۲. آنان که در زمین فساد می‌کنند و به اصلاح نمی‌پردازند.

﴿۱۵۳﴾ قَالُوٓا۟ إِنَّمَآ أَنتَ مِنَ ٱلْمُسَحَّرِينَ ۱۵۳. گفتند: جز این نیست که تو از جادوزدگانی.

﴿۱۵۴﴾ مَآ أَنتَ إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُنَا ۱۵۴. تو هم جز بشری مانند ما نیستی،

فَأْتِ بِـَٔايَةٍ إِن كُنتَ مِنَ ٱلصَّٰدِقِينَ پس نشانه‌ای بیاور اگر از راستگویانی.

﴿۱۵۵﴾ قَالَ هَٰذِهِۦ نَاقَةٌ ۱۵۵. گفت: این شتر ماده‌ای است (که به اعجاز الهی از دل کوه بیرون آمده است)،

لَّهَا شِرْبٌ وَلَكُمْ شِرْبُ يَوْمٍ مَّعْلُومٍ نوبتی از آب برای او باشد و نوبت روزی معلوم هم برای شما.

﴿۱۵۶﴾ وَلَا تَمَسُّوهَا بِسُوٓءٍ فَيَأْخُذَكُمْ عَذَابُ يَوْمٍ عَظِيمٍ ۱۵۶. و آن را هیچ آزاری نرسانید، که عذاب روزی بزرگ دامنگیر شما خواهد شد.

﴿۱۵۷﴾ فَعَقَرُوهَا فَأَصْبَحُوا۟ نَٰدِمِينَ ۱۵۷. پس آن را پی کردند، آن‌گاه پشیمان شدند.

﴿۱۵۸﴾ فَأَخَذَهُمُ ٱلْعَذَابُ ۗ ۱۵۸. و عذاب، آنان را فرا گرفت.

إِنَّ فِى ذَٰلِكَ لَءَايَةً ۖ همانا در این گزارش نشانه‌ای است،

وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُم مُّؤْمِنِينَ امّا بیشترشان مؤمن نشدند.

﴿۱۵۹﴾ وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ ٱلْعَزِيزُ ٱلرَّحِيمُ ۱۵۹. و همانا پروردگار توست که توانمند و مهربان است.

﴿۱۶۰﴾ كَذَّبَتْ قَوْمُ لُوطٍ ٱلْمُرْسَلِينَ ۱۶۰. قوم لوط نیز پیامبران را تکذیب کردند.

﴿۱۶۱﴾ إِذْ قَالَ لَهُمْ أَخُوهُمْ لُوطٌ ۱۶۱. آن‌گاه که برادرشان لوط علیه‌السلام به آن‌ها گفت:

أَلَا تَتَّقُونَ آیا پروا نمی‌کنید؟!

﴿۱۶۲﴾ إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ ۱۶۲. همانا من برای شما پیامبری امین هستم.

﴿۱۶۳﴾ فَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ وَأَطِيعُونِ ۱۶۳. پس، از خدا پروا کنید و مرا فرمان برید.

﴿۱۶۴﴾ وَمَآ أَسْـَٔلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍۖ ۱۶۴. و بر این کار از شما پاداشی نمی‌خواهم،

إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَىٰ رَبِّ ٱلْعَٰلَمِينَ پاداش من جز بر پروردگار جهانیان نیست.

﴿۱۶۵﴾ أَتَأْتُونَ ٱلذُّكْرَانَ مِنَ ٱلْعَٰلَمِينَ ۱۶۵. آیا از میان مردمِ عالَم (برای ارضای جنسی خود) سراغ مردان می‌روید؟!

﴿۱۶۶﴾ وَتَذَرُونَ مَا خَلَقَ لَكُمْ رَبُّكُم مِّنْ أَزْوَٰجِكُمْۚ ۱۶۶. و وا می‌نهید همسرانتان را که پروردگارتان برای شما آفریده است؟

بَلْ أَنتُمْ قَوْمٌ عَادُونَ بلکه شما گروهی تجاوزگرید.

﴿۱۶۷﴾ قَالُواْ لَئِن لَّمْ تَنتَهِ يَٰلُوطُ ۱۶۷. گفتند: ای لوط، اگر دست برنداری

لَتَكُونَنَّ مِنَ ٱلْمُخْرَجِينَ البته از اخراج‌شوندگان خواهی شد.

﴿۱۶۸﴾ قَالَ ۱۶۸. گفت:

إِنِّي لِعَمَلِكُم مِّنَ ٱلْقَالِينَ بی‌شکّ من از دشمنانِ کردار شما هستم.

﴿۱۶۹﴾ رَبِّ ۱۶۹. پروردگارا،

نَجِّنِي وَأَهْلِي مِمَّا يَعْمَلُونَ من و خاندانم را از کیفر آن‌چه اینان می‌کنند نجات بخش.

﴿۱۷۰﴾ فَنَجَّيْنَٰهُ وَأَهْلَهُۥٓ أَجْمَعِينَ ۱۷۰. پس او و همهٔ خاندانش را نجات بخشیدیم،

﴿۱۷۱﴾ إِلَّا عَجُوزًا فِي ٱلْغَٰبِرِينَ ۱۷۱. جز پیرزنی (یعنی همسر او) را که در میان بازماندگان بود.

﴿۱۷۲﴾ ثُمَّ دَمَّرْنَا ٱلْـَٔاخَرِينَ ۱۷۲. سپس دیگران را هلاک کردیم.

﴿۱۷۳﴾ وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهِم مَّطَرًاۖ ۱۷۳. و بر آنان، بارانی (از سنگ) باراندیم،

فَسَآءَ مَطَرُ ٱلْمُنذَرِينَ و بد بارانی بود باران آن بیم‌شدگان.

﴿۱۷۴﴾ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأَيَةًۖ ۱۷۴. همانا در این گزارش نشانه‌ای است،

وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُم مُّؤْمِنِينَ امّا بیشترشان مؤمن نشدند.

﴿۱۷۵﴾ وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ ٱلْعَزِيزُ ٱلرَّحِيمُ ۱۷۵. و همانا پروردگار توست که توانمند و مهربان است.

﴿۱۷۶﴾ كَذَّبَ أَصْحَٰبُ لْـَٔيْكَةِ ٱلْمُرْسَلِينَ ۱۷۶. مردم اَیْکه (آن سرزمین پردرخت) نیز پیامبران را تکذیب کردند.

﴿۱۷۷﴾ إِذْ قَالَ لَهُمْ شُعَيْبٌ أَلَا تَتَّقُونَ ۱۷۷. آن‌گاه که شعیب علیه‌السلام به آنان گفت: آیا پروا نمی‌کنید؟!

﴿۱۷۸﴾ إِنِّى لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ ۱۷۸. همانا من برای شما پیامبری امین هستم.

﴿۱۷۹﴾ فَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ وَأَطِيعُونِ ۱۷۹. پس، از خدا پروا کنید و مرا فرمان برید.

﴿۱۸۰﴾ وَمَآ أَسْـَٔلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ ۖ ۱۸۰. و بر این کار از شما پاداشی نمی‌خواهم،

إِنْ أَجْرِىَ إِلَّا عَلَىٰ رَبِّ ٱلْعَٰلَمِينَ پاداش من جز بر پروردگار جهانیان نیست.

﴿۱۸۱﴾ أَوْفُواْ ٱلْكَيْلَ وَلَا تَكُونُواْ مِنَ ٱلْمُخْسِرِينَ ۱۸۱. (در تعاملات تجاری خود) پیمانه را تمام دهید و از کم‌فروشان نباشید.

﴿۱۸۲﴾ وَزِنُواْ بِٱلْقِسْطَاسِ ٱلْمُسْتَقِيمِ ۱۸۲. و با ترازوی درست بسنجید.

﴿۱۸۳﴾ وَلَا تَبْخَسُواْ ٱلنَّاسَ أَشْيَآءَهُمْ ۱۸۳. و از اجناس مردم نکاهید

٣٧٤ وَلَا تَعْثَوْاْ فِى ٱلْأَرْضِ مُفْسِدِينَ و تبهکارانه در زمین فساد نکنید.

﴿۱۸۴﴾ وَٱتَّقُواْ ٱلَّذِى خَلَقَكُمْ وَٱلْجِبِلَّةَ ٱلْأَوَّلِينَ ۱۸۴. و پروا کنید از کسی که شما و مردمان پیشین را آفرید.

﴿۱۸۵﴾ قَالُوٓاْ إِنَّمَآ أَنتَ مِنَ ٱلْمُسَحَّرِينَ ۱۸۵. گفتند: جز این نیست که تو از جادوزدگانی.

﴿۱۸۶﴾ وَمَآ أَنتَ إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُنَا ۱۸۶. و تو هم جز بشری مانند ما نیستی،

وَإِن نَّظُنُّكَ لَمِنَ ٱلْكَٰذِبِينَ و راستی‌که تو را از دروغگویان پنداریم.

﴿۱۸۷﴾ فَأَسْقِطْ عَلَيْنَا كِسَفًا مِّنَ ٱلسَّمَآءِ ۱۸۷. پس پاره‌هایی از آسمان را بر سر ما فرود آر،

إِن كُنتَ مِنَ ٱلصَّٰدِقِينَ اگر از راستگویانی!

﴿۱۸۸﴾ قَالَ رَبِّىٓ أَعْلَمُ بِمَا تَعْمَلُونَ ۱۸۸. گفت: پروردگارم به آن‌چه می‌کنید داناتر است.

﴿۱۸۹﴾ فَكَذَّبُوهُ فَأَخَذَهُمْ عَذَابُ يَوْمِ ٱلظُّلَّةِ ۚ ۱۸۹. پس اورا تکذیب کردند؛ در نتیجه آنان را فرا گرفت عذابِ روز ابر تیرهٔ آتشبار؛

إِنَّهُۥ كَانَ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ راستی‌که عذابِ روزی بزرگ بود.

﴿۱۹۰﴾ إِنَّ فِى ذَٰلِكَ لَءَايَةً ۖ ۱۹۰. همانا در این گزارش نشانه‌ای است،

وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُم مُّؤْمِنِينَ امّا بیشترشان مؤمن نشدند.

﴿۱۹۱﴾ وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ ٱلْعَزِيزُ ٱلرَّحِيمُ ۱۹۱. و همانا پروردگار توست که توانمند و مهربان است.

﴿۱۹۲﴾ وَإِنَّهُۥ لَتَنزِيلُ رَبِّ ٱلْعَٰلَمِينَ	۱۹۲. و قطعاً این قرآن فروفرستادهٔ پروردگار جهانیان است.
﴿۱۹۳﴾ نَزَلَ بِهِ ٱلرُّوحُ ٱلْأَمِينُ	۱۹۳. روح الامین (جبرئیل) آن را فرود آورده
﴿۱۹۴﴾ عَلَىٰ قَلْبِكَ لِتَكُونَ مِنَ ٱلْمُنذِرِينَ	۱۹۴. بر قلب تو، تا از بیم‌کنندگان باشی،
﴿۱۹۵﴾ بِلِسَانٍ عَرَبِيٍّ مُّبِينٍ	۱۹۵. آن‌هم به زبان عربی روشن.
﴿۱۹۶﴾ وَإِنَّهُۥ لَفِى زُبُرِ ٱلْأَوَّلِينَ	۱۹۶. و همانا وصف آن در نوشته‌های پیشینیان آمده است.
﴿۱۹۷﴾ أَوَ لَمْ يَكُن لَّهُمْ ءَايَةً	۱۹۷. و آیا این نشانه‌ای برای آنان نیست
أَن يَعْلَمَهُۥ عُلَمَٰٓؤُا۟ بَنِىٓ إِسْرَٰٓءِيلَ	که عالِمان بنی‌اسرائیل آن را می‌دانند؟
﴿۱۹۸﴾ وَلَوْ نَزَّلْنَٰهُ عَلَىٰ بَعْضِ ٱلْأَعْجَمِينَ	۱۹۸. و اگر آن را بر یکی از مردم غیرعرب نازل می‌کردیم
﴿۱۹۹﴾ فَقَرَأَهُۥ عَلَيْهِم	۱۹۹. و آن را بر اینان می‌خواند،
مَّا كَانُوا۟ بِهِۦ مُؤْمِنِينَ	(به بهانهٔ آن‌که آن را نمی‌فهمیم) به آن ایمان نمی‌آوردند.
﴿۲۰۰﴾ كَذَٰلِكَ سَلَكْنَٰهُ فِى قُلُوبِ ٱلْمُجْرِمِينَ	۲۰۰. این‌گونه آن را به قلب‌های مجرمان راه دادیم.
﴿۲۰۱﴾ لَا يُؤْمِنُونَ بِهِۦ	۲۰۱. باز به آن ایمان نمی‌آورند
حَتَّىٰ يَرَوُا۟ ٱلْعَذَابَ ٱلْأَلِيمَ	تا عذاب دردناک را ببینند،
﴿۲۰۲﴾ فَيَأْتِيَهُم بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ	۲۰۲. که ناگهان بر آنان می‌آید درحالی‌که آگاه نیستند.
﴿۲۰۳﴾ فَيَقُولُوا۟ هَلْ نَحْنُ مُنظَرُونَ	۲۰۳. آن‌گاه گویند: آیا به ما مهلتی داده خواهد شد؟
﴿۲۰۴﴾ أَفَبِعَذَابِنَا يَسْتَعْجِلُونَ	۲۰۴. پس چرا اینک شتاب در عذابِ ما را می‌طلبند؟!
﴿۲۰۵﴾ أَفَرَءَيْتَ إِن مَّتَّعْنَٰهُمْ سِنِينَ	۲۰۵. پس چه بینی؟! اگر چند سالی هم بهره‌مندشان کنیم،
﴿۲۰۶﴾ ثُمَّ جَآءَهُم مَّا كَانُوا۟ يُوعَدُونَ	۲۰۶. سپس آن‌چه وعده داده می‌شدند بر سرشان آید؛
﴿۲۰۷﴾ مَآ أَغْنَىٰ عَنْهُم مَّا كَانُوا۟ يُمَتَّعُونَ	۲۰۷. هرگز آن‌چه از آن بهره‌مند باشند سودی به حالشان نخواهد داشت.
﴿۲۰۸﴾ وَمَآ أَهْلَكْنَا مِن قَرْيَةٍ	۲۰۸. و ما هیچ شهری را هلاک نکردیم
إِلَّا لَهَا مُنذِرُونَ	جز آن‌که برای آن، بیم‌کنندگانی بود،
﴿۲۰۹﴾ ذِكْرَىٰ وَمَا كُنَّا ظَٰلِمِينَ	۲۰۹. برای هشدار و یادآوری، و ما هیچ‌گاه ستمکار نبوده‌ایم.

﴿۲۱۰﴾ وَمَا تَنَزَّلَتْ بِهِ ٱلشَّيَٰطِينُ	۲۱۰. و این قرآن را شیاطین فرود نیاورده‌اند.
﴿۲۱۱﴾ وَمَا يَنۢبَغِي لَهُمْ وَمَا يَسْتَطِيعُونَ	۲۱۱. و در خور آن‌ها نیست و توان آن را هم ندارند.
﴿۲۱۲﴾ إِنَّهُمْ عَنِ ٱلسَّمْعِ لَمَعْزُولُونَ	۲۱۲. چرا که آنان از شنیدن (اخبار آسمان) برکنارند.
﴿۲۱۳﴾ فَلَا تَدْعُ مَعَ ٱللَّهِ إِلَٰهًا ءَاخَرَ فَتَكُونَ مِنَ ٱلْمُعَذَّبِينَ	۲۱۳. پس [اینک که قرآن به تو نازل شده] با خدای یکتا هیچ خدای دیگری مخوان، که از عذاب‌شوندگان خواهی شد.
﴿۲۱۴﴾ وَأَنذِرْ عَشِيرَتَكَ ٱلْأَقْرَبِينَ	۲۱۴. و (در آغاز دعوت علنی) خویشان نزدیک‌تر خود را بیم کن.
﴿۲۱۵﴾ وَٱخْفِضْ جَنَاحَكَ لِمَنِ ٱتَّبَعَكَ مِنَ ٱلْمُؤْمِنِينَ	۲۱۵. و فرود آر بالِ مهر و رحمت خود را برای مؤمنانی که تو را پیروی کرده‌اند.
﴿۲۱۶﴾ فَإِنْ عَصَوْكَ فَقُلْ إِنِّي بَرِيٓءٌ مِّمَّا تَعْمَلُونَ	۲۱۶. پس اگر این کافران تو را نافرمانی کردند بگو: من از آن‌چه شما می‌کنید بیزارم.
﴿۲۱۷﴾ وَتَوَكَّلْ عَلَى ٱلْعَزِيزِ ٱلرَّحِيمِ	۲۱۷. و بر خدای توانمندِ مهربان توکّل کن.
﴿۲۱۸﴾ ٱلَّذِي يَرَىٰكَ حِينَ تَقُومُ	۲۱۸. همان‌که تو را هنگامی که به نماز می‌ایستی می‌بیند،
﴿۲۱۹﴾ وَتَقَلُّبَكَ فِي ٱلسَّٰجِدِينَ	۲۱۹. و گردش تو را در میان سجده‌گزاران مشاهده می‌کند.
﴿۲۲۰﴾ إِنَّهُۥ هُوَ ٱلسَّمِيعُ ٱلْعَلِيمُ	۲۲۰. همانا اوست که شنوا و داناست.
﴿۲۲۱﴾ هَلْ أُنَبِّئُكُمْ عَلَىٰ مَن تَنَزَّلُ ٱلشَّيَٰطِينُ	۲۲۱. (اینک که پیامبر ﷺ را به ارتباطِ با شیاطین متّهم می‌کنید) آیا شما را خبر بدهم که شیاطین بر چه‌کس فرود آیند؟
﴿۲۲۲﴾ تَنَزَّلُ عَلَىٰ كُلِّ أَفَّاكٍ أَثِيمٍ	۲۲۲. بر هر دروغ‌پردازِ گنه‌پیشه‌ای فرود می‌آیند.
﴿۲۲۳﴾ يُلْقُونَ ٱلسَّمْعَ وَأَكْثَرُهُمْ كَٰذِبُونَ	۲۲۳. آری (به اخبار آسمان) گوش فرا می‌دهند (امّا اطّلاعی حاصل نمی‌کنند) و بیشترشان دروغگویند.
﴿۲۲۴﴾ وَٱلشُّعَرَآءُ يَتَّبِعُهُمُ ٱلْغَاوُۥنَ	۲۲۴. ضمناً (این پیامبر شاعر نیست، زیرا) شاعران را مردمِ گمراه پیروی می‌کنند.
﴿۲۲۵﴾ أَلَمْ تَرَ أَنَّهُمْ فِي كُلِّ وَادٍ يَهِيمُونَ	۲۲۵. مگر ندیده‌ای که (شاعران) در هر وادی‌ای سرگردانند.
﴿۲۲۶﴾ وَأَنَّهُمْ يَقُولُونَ مَا لَا يَفْعَلُونَ	۲۲۶. و آنان چیزهایی می‌گویند که خود عمل نمی‌کنند.
﴿۲۲۷﴾ إِلَّا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ وَذَكَرُواْ ٱللَّهَ كَثِيرًا وَٱنتَصَرُواْ مِنۢ بَعْدِ مَا ظُلِمُواْ ۗ وَسَيَعْلَمُ ٱلَّذِينَ ظَلَمُوٓاْ أَيَّ مُنقَلَبٍ يَنقَلِبُونَ	۲۲۷. به جز آنان که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده و خدا را فراوان یاد نموده و پس از آن‌که مورد ستم واقع شدند از خود دفاع نمودند؛ و به زودی ستمکاران بدانند که به چه سرنوشتی بازخواهند گشت.

حامیان معنوی اثر

حجة الاسلام و المسلمین محسن قرائتی
حجة الاسلام و المسلمین محمدعلی خسروی
جناب آقای حاج حسین فیض
سرکار خانم فخری‌سادات روحانی
شهید عزیز، محسن فیض
سرکار خانم مینو شریفی

مرحوم حاج حسین خوشنویسان
جناب آقای حاج حسین مظفری‌نژاد
جناب آقای دکتر عبدالهادی فقهی‌زاده
حجة الاسلام و المسلمین محمدعلی شاه‌آبادی
جناب آقای مهندس ابراهیم کرمانی‌نژاد

و سایر عزیزان و بزرگوارانی که با دعای خیر و فرمایشات امیدبخش خویش، در شکل‌گیری و عینیت‌یافتن این اثر نورانی، نقش بسزایی داشته‌اند - جزاهم الله خیراً

حامیان مالی اثر

الف) نهادها و مؤسسات:

مجتمع‌آموزشی‌خواجه‌نصیرالدین‌طوسی
بنیاد خیریهٔ خواجه نصیرالدین طوسی
برنج طبیعت و شرکت‌های وابسته

سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی
مجتمع آموزشی مفید
مسجد و کانون توحید

مؤسسهٔ تعالی دانش شریف
مؤسسهٔ مکتب امیرالمومنین(ع)
مؤسسهٔ دندان پزشکی پیشگامان پارسه

ب) اشخاص حقیقی (به ترتیب حروف الفبا):

اختراعی	امیرعباس	آهنگر سریزدی	انسیه	رمضان‌زاده	علیرضا	صدیق اورعی	سید محمدعلی	محمدی نیکو	احمد
امین	علی	پاییزی	زهرا	رمضان‌زاده	محسن	طبری	کسری	مستقیم	حوری
حسینی	سیدمحمدامین	پورسیدآقایی	محمد	روحی	محمدحسن	طهماسبی	حمید	مشایخ	مرتضی
امین‌فر	امیرحسین	پیش‌بین	سید ایمان	زارع	علیرضا	عباسی	زینب	مشایخ	صادق
آزاده	رضا	جعفری	وحید	زعفرانچی	سید حبیب‌الله	عبداللهی	علیرضا	مظفری‌نژاد	حسین
آزموده	مجتبی	جلالی	سید فاضل	زعفرانچی	سید علی	فیض	حسین	ملک‌زاده	میثم
آهنگر سریزدی	حسین	حاجی‌بیگی	هادی	شهرآیینی	ابراهیم	فیض	علی	نریمان	سامان
آهنگر سریزدی	محمد ناصر	حسینی	سید محمدرضا	صبوری	حسین	قاسمیه	حامد	نیک‌روش	احمد

مشارکت‌کنندگان در شناسایی برکه‌های قرآنی (به ترتیب حروف الفبا)

احمدی	فاطمه	تاجیک	نرجس	سر رشته‌داری	فرخ	عباس‌زاده	سینا	کاووسی	زهرا
اشراقی	مهدیه	جباری	مهدی	سیادتی	سیده سیما	عباسی	زینب	کچویی	الهام
اصغری	محمدسجاد	حاجی غفاری	بتول	شریفی	فرید	عرب سرهنگی	سمیه	کربلایی	بتول
افجه	سارا	حسین‌زاده	مجتبی	شعبانی	زهرا	عرب سرهنگی	سمانه	کلانتری	فائزه
امیراحمدی	فاطمه	حکیمی	زهرا	صداقتی	حسین	علی میرزایی	لیلا	کلاهدوز	فاطمه
بلورچی	مهتاب	خورمهر	علیرضا	صدیق	سید محمدعلی	علیزاده سرابی‌نژاد	رضا	ملک‌زاده	میثم
پاییزی	زهرا	رحمتی	اعظم	صیادی	علی	فخر	مریم‌السادات	موسوی	فاطمه
پورسیدآقایی	سید محمد	زارعی	مائده	عابدی	مجتبی	فرح‌دوست	شراره	نادعلی‌زاده	حمزه

قرآن مبارک؛ نسخه‌ای از قرآن برای تدبر همگان

قرآن آخرین کتاب آسمانی است که نیاز بشر به معارف ناب توحیدی و قواعد زندگی فردی و اجتماعی را تا قیامت پاسخ می‌دهد. این ویژگی اقتضاء می‌کند که قرآن به شیوه‌های گوناگون مورد توجه قرار گرفته و در قالب‌های گوناگون، به بشریتِ تشنهٔ حقیقت و آرامش عرضه گردد. تدوین مصحف‌های گوناگون، ترجمه‌های متعدد قرآن، صورت‌بندی‌های متنوع و همچنین نوشتن تفسیرهای متعدد بر آن، بخشی از وظایفی است که ما در قبال این کتاب شریف و این عطیهٔ شریف الهی داریم.

این کتابچه حاوی آیاتی از قرآن کریم است؛ در حفظ و نگهداری آن کوشا باشید.

نشر شناسنامه